

هُنْدِ اسْتَانِیْ دَرِ قِرَانِ کَرِیْمِیْ

•
محمد احمد خلف الله

ترجمه محسن آرمین



سرشناسه: خلفالله، محمد احمد، Khalaf Allah, Muhammad Ahmad • عنوان قراردادی: الفن القصص
فی القرآن الکریم. فارسی • عنوان و نام پدیدآور: هنر داستانی در قرآن کریم/ محمد احمد خلفالله؛ ترجمه محسن
آرمین؛ ویراستار سیدمحمدحسین میرفخرائی. • مشخصات نشر: تهران، نشر نی، ۱۴۰۲ • نوبت چاپ: چاپ اول، ۱۴۰۲
• مشخصات ظاهری: ۴۹۹ ص • شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۰۶-۰۵۸۷-۴ • وضعیت فهرست نویسی: فیبا • موضوع:
قرآن - قصه‌ها - نقد و تفسیر، Qur'an stories-Criticism, interpretation, etc قرآن - مسائل ادبی، Qur'an as lit-
erature داستان‌های اسلامی، Islamic stories • یادداشت: کتاب‌نامه • شناسه افزوده: آرمین، محسن، ۱۳۳۳ -
مترجم • رده‌بندی کنگره: BP۸۸ • رده‌بندی دیویی: ۲۹۷/۱۵۹ • شماره کتابشناسی ملی: ۹۳۹۰۴۲۳

قیمت: ۳۶۰۰۰۰ تومان

www.ketab.ir



نشرنی

هنر داستانی در قرآن کریم

محمد احمد خلفالله

مترجم: محسن آرمین

ویراستار: سیدمحمدحسین میرفخرائی

صفحه‌آرا: نگار خلیلی

لیتوگرافی: باختر • چاپ و صحافی: غزال

چاپ اول: تهران، ۱۴۰۲، ۱۰۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۰۶-۰۵۸۷-۴

نشانی: تهران، خیابان دکتر فاطمی، خیابان رهی معیری، تقاطع خیابان فکوری، شماره ۲۰

کد پستی: ۱۴۱۳۷۱۷۳۷۱، تلفن دفتر نشر: ۸۸۰۲۱۲۱۴، تلفن واحد فروش: ۸۸۰۴۶۵۸۰۹، نمابر: ۸۹۷۸۲۴۶۴

www.nashreny.com • email: info@nashreny.com • nashreny

© تمامی حقوق این اثر برای نشرنی محفوظ است. هرگونه استفاده تجاری از این اثر یا تکثیر آن، کلاً و جزئاً، به
هر صورت (چاپ، فتوکپی، صوت، تصویر و انتشار الکترونیکی) بدون اجازه مکتوب ناشر ممنوع است.

فهرست مطالب

۷	مقدمه مترجم
۷۳	به جای مقدمه: نامه به دکتر عبدالحمید بدوی پاشا
۸۳	پیشگفتار
۹۵	درباره روش تحقیق
۱۰۱	بخش اول: معانی تاریخی، اجتماعی، اخلاقی و دینی
۱۰۳	فصل اول: معانی تاریخی
۱۳۳	فصل دوم: ادبیات و تاریخ
۱۵۱	فصل سوم: معانی اجتماعی و روان‌شناختی
۲۰۷	فصل چهارم: معانی دینی و اخلاقی
۲۲۷	بخش دوم: هنر و ادبیات در داستان قرآنی
۲۲۹	فصل اول: چیستی داستان؛ آیا در قرآن داستان ادبی وجود دارد؟
۳۰۳	فصل دوم: وحدت داستانی
۳۲۱	فصل سوم: مقاصد و اهداف

- ۳۵۱ بخش سوم: مصادر قصه‌های قرآنی
- ۳۵۲ فصل اول: محیط اجتماعی عربی
- ۳۹۱ فصل دوم: عناصر در قصه قرآنی
- ۴۵۲ فصل سوم: تطور هنر داستانی
- ۴۷۱ بخش چهارم: روحیات رسول و قصه قرآن
- ۴۹۳ سخن پایانی
- ۴۹۷ کتاب‌نامه

مقدمه مترجم

تقریباً یک‌چهارم آیات قرآن را قصه تشکیل می‌دهد.^۱ کمتر سوره‌ای از قرآن را می‌توان سراغ گرفت که در آن داستانی از پیامبران و اقوام گذشته یا روایتی از حال‌وروز اهل بهشت و دوزخ و گفت‌وگوی میان آن‌ها نقل نشده باشد. قصه قرآنی از حیث نوع، طول، ساختار و موضوع و ماده بسیار متنوع است. قرآن از هر موضوع و ماده‌ای، صرف‌نظر از اهمیت و ارزش آن در چشم و ذهن مخاطبان، برای انتقال پیام‌های دینی و اخلاقی بهره برده است:

خدای را از این‌که به پشه‌ای یا فروتر [یا قراتر] از آن مثل زند شرم نیاید.^۲

قصه قرآنی یکی از موضوعات بحث‌انگیز و درعین حال جذاب در حوزه پژوهش‌های قرآنی است. عالمان مسلمان از دیرباز به موضوع قصص قرآن توجه ویژه‌ای داشته و آثار بسیاری در این موضوع به رشته تحریر درآورده‌اند.^۳

۱. دایرة‌المعارف قرآن، ج ۴ (مدخل «قصص قرآن»): ۳۹۱.

۲. إِنَّ اللَّهَ لَا يَسْتَحْيِي أَنْ يَضْرِبَ مَثَلًا مَا بَعُوضَةٌ فَمَا فَرَّقَهَا (بقره: ۲۶).

۳. متأسفانه کتاب‌شناسی جامعی درباره قصه قرآن در دست نیست. ذیلاً به چند نمونه از تلاش‌هایی که در این زمینه صورت گرفته اشاره می‌کنیم.

آقای غلامرضا عرفانیان در مقدمه ترجمه فصوص الانبیای قطب‌الدین راوندی از انتشارات بنیاد پژوهش‌های اسلامی که به‌کوشش ایشان انجام شده ۱۷۴ کتاب و منبع درباره قصص انبیا معرفی کرده است.

آقای مهدی خراسانی در مقاله «پژوهشی در داستان‌های قرآن»، ۵۵ کتاب با موضوع قصص قرآن را معرفی کرده‌اند (مجله آینه پژوهش، سال ۳، شماره ۱۵).

این مقوله همچنین از همان آغاز یکی از مباحث مورد توجه منتقدان قرآن به‌ویژه عالمان

در پی این مقاله و برای تکمیل آن آقای محمدعلی هاشم‌زاده در مقاله «استدراک کتاب‌شناسی قصه‌های قرآن» ۴۰۵ کتاب و مقاله درباره قصه قرآن معرفی کرده‌اند که بیش از نیمی از آن را مقالات عربی و فارسی تشکیل می‌دهد و همگی از جلد دوم کتاب معجم الدراسات القرآنیة اثر آقای عبدالجبار رفاعی اخذ شده است (مجله آینه پژوهش، شماره ۲۰).

در کتاب‌نامه بزرگ قرآن کریم به‌اشراف آقای محمدحسن بکائی که تاکنون ظاهراً ۱۹ جلد آن منتشر شده است کتاب‌ها و پایان‌نامه‌های دانشگاهی مربوط به قصص قرآن به‌صورت پراکنده آمده است. آقای محمدحسین صادق‌پور در مقاله‌ای تحت عنوان «کتاب‌شناسی قصه‌های قرآن» ۴۶۵ کتاب یا کتابچه درباره قصه در قرآن را معرفی کرده است (نشریه مشکوة، شماره‌های ۶۰ و ۶۱).

برای اطلاع بیشتر خوانندگان نمونه‌ای از شناخته شده‌ترین کتاب‌های منتشرشده درباره قصه قرآنی را نیز می‌آوریم.

— الاعجاز القصصی فی القرآن، سعید عطیه علی مطاوع، دار الآفاق العربیه، قاهره، ۲۰۰۶

— لامثال فی القرآن الکریم دراسة مبسطة حول الامثال الواردة فی الکتاب العزیز، جعفر سبحانی

— الفن القصصی فی القرآن الکریم لیه عرض و تقدیم بقلم خلیل عبد الکریم، محمد احمد خلف الله، سینا/ الانتشار العربی، لندن، ۱۹۹۹، چاپ چهارم

— القرآن و الفصحة الحدیثه، حسن محمد کامل، دار البحوث العلمیه، بیروت، ۱۹۷۰

— القصص القرآنی؛ عرض وقائع و تحلیل احداث، صلاح عبدالفتاح الخالدي، ۴ ج، دار القلم، دمشق

— المستفاد من قصص القرآن، عبدالکریم زیدان، ۲ ج، ۱۴۲۶ق

— باستان‌شناسی و جغرافیای تاریخی قصص قرآن، عبدالکریم بی‌آزار شیرازی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۸۰، چاپ سوم

— بررسی تاریخی قصص قرآن، محمد بیومی مهران، مترجم: سیدمحمد راست‌گو، ۴ ج، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۸۳، چاپ اول

— تیسیر المنان فی قصص القرآن، احمد فرید، دار ابن‌الجوزی

— خصائص القصصه الاسلامیه، مأمون فرید جراز، دار المنار للنشر و التوزیع

— قصص الانبیاء، ابن‌کثیر، بخشی از کتاب تاریخ ابن‌کثیر یعنی البدایه و النهایه است که اولین بار دکتر مصطفی عبدالواحد آن را منتشر کرد

— قصص الانبیاء ابواسحاق نیشابوری، اواخر قرن پنجم، انتشارات علمی و فرهنگی، ترجمه و تصحیح حبیب یغمایی

— قصص الانبیاء قطب‌الدین سعیدبن هبة‌الله راوندی [قطب‌الدین راوندی] تحقیق غلامرضا عرفانیان، مجمع البحوث الاسلامیه

— قصص الانبیاء فی القرآن الکریم و ما فیها من المعبر، عبدالرحمن بن ناصر السعدی

— قصص القرآن الکریم و سیره سید المرسلین، محمد منیر الجنیناز

— قصص القرآن الکریم، فضل حسن عباس (این کتاب اولین بار در سال ۱۴۰۷ق با نام القصص القرآنی؛ ایحاذه و فضحاته از سوی دارالفرقان در کشور عمان منتشر شده و سپس با اضافات فراوان منتشر گردید)

اهل کتاب و در دوران معاصر مورد توجه اسلام‌شناسان غربی بوده و هست. آنان قصه در قرآن را مجالی برای طعن قرآن یافته و کوشیده‌اند ثابت کنند پیامبر اسلام (ص) در نقل داستان پیامبران و اقوام گذشته از تورات و انجیل بهره گرفته و در مواردی نیز دچار خطا و اشتباه شده است. مطابق روایتی که سیوطی از ابن‌ابی‌شیبیه، مسلم، ترمذی، نسائی، ابن‌ابی‌حاتم، ابن‌حبان، طبرانی و... گزارش کرده است، مغیره بن شعبه که از سوی رسول خدا (ص) به منطقه نجران رفته بوده نقل می‌کند:

مسیحیان نجران به من گفتند: «آیا به عبارت یُأخْتِ هُرون که در قرآن می‌خوانید نمی‌اندیشید، درحالی که موسی سالیان درازی پیش از عیسی بوده است؟» من نمی‌دانستم چه جوابی باید به ایشان بدهم. چون نزد رسول خدا (ص) برگشتم ماجرا را نقل کردم. فرمود: «آیا آن‌ها نمی‌دانند که افراد بسیاری را به نام پیامبران و صالحان گذشته خود نام‌گذاری می‌کردند؟»^۱

حتی اگر سند این روایت را صحیح ندانیم، وجود آن در جوامع حدیثی کهن بیانگر آن است که سابقه این شبهه به قرون اولیه می‌رسد.^۲

صورت‌های خلیفید این نگاه انتقادی امروز استناد به یافته‌های دانش باستان‌شناسی و نیز الواح و گرافیتی‌ها برای اثبات عدم وثاقت تاریخی داستان‌های قرآن است.

واقعیت این است که نقش و کارکرد قصه در قرآن با نقش و کارکرد قصه در انجیل و تورات به کلی متفاوت است. انجیل و تورات به یک معنا از آغاز تا انجام، یک روایت است. تورات از داستان آفرینش جهان آغاز و با خلقت آدم در بهشت و خوردن میوه ممنوعه و اخراج از باغ عدن

— قصص القرآن، محمد احمد جاد المولی و محمد ابوالفضل ابراهیم و علی البحای و السید شحاته —
— قصص قرآن، صدرالدین بلاغی

— مبانی هنری قصه‌های قرآن، سید ابوالقاسم حسینی (ژرفا)، مرکز پژوهش‌های اسلامی صداوسیما، ۱۳۷۷

— مدخل الی القرآن الکریم، عابد الجابری

— منابع البحث و التألیف فی القصص القرآنی، احمد نوفل (که تلخیص و نقد ۳۹ کتاب درباره قصص قرآن است)

— منهج القصص فی القرآن، محمد شدید، دار التوزیع و النشر الاسلامی، ۱۹۹۸.

۱. الدر المنثور، ۴: ۲۷۰.

۲. عبارت یُأخْتِ هُرون ظاهراً در نظر طاعنان چندان جذاب بوده که تا دوران جدید همچنان یکی از سوره‌های مستشرقان در اثبات اشتباهات تاریخی قرآن به شمار آمده است. عبدالرحمان بدوی، متفکر مشهور مصری در فصل دوازدهم کتاب خود به نام دفاع عن القرآن ضد منتقدیه از اسلام‌شناس منصف هلندی، ادریان رولاند یاد می‌کند که ضمن نقد آرای همکاران اروپایی به طرح همین اشکال درباره مریم از سوی ایشان پرداخته و بدان پاسخ گفته است.

و شرح حال فرزندان و ازدواج‌های آن‌ها ادامه می‌یابد تا به یعقوب و قوم بنی‌اسرائیل و داستان تولد موسی و پیامبری وی می‌رسد. این کتاب با مرگ موسی پایان می‌یابد. انجیل نیز از تولد عیسی آغاز و با به صلیب کشیده شدن و زنده شدن پس از مرگ و عروج وی به آسمان پایان می‌یابد. برای نمونه انجیل لوقا با این عبارات خطاب به شخصی به نام تیوفلس آغاز می‌شود که از لوقا خواسته است داستان عیسی را بنگارد:

از آن جهت که بسیاری دست خود را دراز کردند به‌سوی تألیف حکایت آن اموری که نزد ما به اتمام رسید (۱) چنانچه آنانی که از ابتدا نظرگران و خادمان کلام بودند به ما رسانیدند (۲) من نیز مصلحت چنان دیدم که همه را من البدایه به‌تدقیق در پی رفته، به‌ترتیب به تو بنویسم ای تیوفلس عزیز (۳) تا صحت آن کلامی را که در آن تعلیم یافته‌ای دریایی (۴). در ایام هیروودیس، پادشاه یهودیه، کاهنی زکریا نام از فرقه ایبیا بود که زن او از دختران هارون بود و ایصابات نام داشت (۵).^۱

انجیل متی نیز از شجره‌نامه عیسی آغاز و با داستان تولد او ادامه می‌یابد و همچنین است دیگر انجیل. این در حالی است که قصه قرآنی تنها بخشی از محتوای این کتاب را تشکیل می‌دهد. برخلاف تورات و انجیل، قرآن در حکایات خود به بیان جزئیات حوادث و نام شخصیت‌های داستان و تاریخ رخدادها... هیچ اهمیتی ندارد. این تفاوت ساختاری علاوه بر این که ناقص فرضیه تقلید قرآن از تورات و انجیل است، از حقیقت دیگری نیز حکایت دارد و آن این که قصه در قرآن دارای کارکرد دیگری غیر از بیان تاریخ است.

این تفاوت‌های ساختاری و محتوایی از دید متفکران منصف مسیحی دور نمانده است. از جمله تیتوس بوکهارت در این باره می‌گوید:

به چشم اروپاییانی که تصورشان از کتاب مقدس بر اساس انجیل یا احتمالاً کتب مقدس شرقی چون بهگود گیتا یا گفته‌های بودا شکل گرفته است، قرآن در نگاه اول مایوس‌کننده به نظر می‌رسد، زیرا قرآن نه چون انجیل روایتی است که در آن خداوند به‌شکل قابل فهمی برای بشر نمایان گردد و نه تعلیم مابعدالطبیعی با ساختاری روشن دارد. [...] سرآخر این که داستان‌های انجیلی که قرآن به واگویی آن‌ها می‌پردازد به‌صورت غیر منظره‌ای تلخیص شده و خشک ارائه می‌گردد، که برای مسیحیان عجیب است. این قصه‌ها از حالت حماسی خود

خارج گشته و به شکل نمونه‌هایی آموزشی در جهت حمد بی‌حدوحصر خداوند به کار گرفته شده است.

تنها آن‌گاه که یکایک آیات قرآنی بررسی شود و از سطوح معانی متعدد آن آگاهی حاصل گردد، تأثیر معنوی نیرومند این کتاب معلوم خواهد شد و می‌توان درک کرد که چرا این کتاب آبشخور فکری روزانه هزاران انسان اهل تأمل و نظر شده است.^۱

رویکرد سنتی به قصه قرآن و ویژگی‌های آن

این حقیقت متأسفانه عموماً از نظر محدثان و پس از آنان مفسران مسلمان مغفول ماند. آنان در تفسیر آیات ناظر به داستان پیامبران و اقوام پیشین، بی‌توجه به حقیقت مذکور، با استناد به نقل قول‌هایی که عمدتاً از صحابه و تابعان گزارش شده است، در بسط و تفصیل حکایات قرآن به شیوه‌ای که در تورات آمده است، اهتمام ورزیدند.^۲ این رویکرد به قصه قرآنی به مثابه تاریخ و سرگذشت جهان نتایجی در پی داشت، از جمله

۱. آنان قطعات داستان هر یک از پیامبران یا اقوام گذشته در سوره‌های مختلف را در قالب یک قصه جمع می‌آوردند تا خوانندگان ضمن آگاهی از تاریخ گذشته به فضایل ترغیب شوند و از رذایل اجتناب ورزند و شکل نعمت‌های خدا را به جای آورند. به همین سبب آثار عالمان گذشته درباره قصه قرآن اکثراً «تاریخ الانبیا» یا «قصص الانبیا» نام گرفته است. از جمله بنگرید به قصص الانبیای نیشابوری که با این جملات شروع می‌شود:

۱. فاس شهر اسلام: ۱۵۲-۱۵۳.

۲. برداشت ناصواب از آیه ۲۹ سوره بقره که به پرداختن خدا به آسمان اشاره دارد و در پی آن داستان خلافت آدم و اسکان وی در بهشت در سوره بقره این ذهنیت توراتی را تقویت کرده است، در حالی که اولاً سوره بقره نه بر حسب چینش در مصحف و نه بر حسب نزول، اولین سوره قرآن نیست؛ ثانیاً اشاره به پرداختن خدا به آسمان و داستان آدم از آیه ۲۹ به بعد شروع می‌شود؛ ثالثاً آیه ۲۹ اساساً نه در مقام بیان آفرینش جهان بلکه در مقام بیان قدرت خالقیت و ربوبیت خدا و تقبیح شرک به اوست؛ رابعاً داستان آدم در سوره بقره داستان خلقت آدم نیست بلکه دو داستان خلافت آدم، و اسکان وی در بهشت و هبوط از آن است که در پی یکدیگر آمده‌اند. این دو داستان به ترتیب با آیات *وَإِذ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلٰئِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً (آیه ۳۰)* و *وَإِذ قُلْنَا لِلْمَلٰئِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ (آیه ۳۴)* شروع می‌شوند. ظرف زمان «اذ» در آغاز آیات مذکور به روشنی حکایت از آن دارد که این دو آیه ناظر به دو داستان مختلف هستند: داستان نخست داستان خلافت آدم است که با اثبات برتری آدم به فرشتگان و سجده آنان بر آدم پایان می‌یابد و مقصود از آن اثبات کرامت و استعداد شگرف انسان است؛ داستان دوم با اسکان آدم در بهشت آغاز و با هبوط او از بهشت پایان می‌یابد و هدف از آن بیان مسؤلیت انسان در قبال انتخاب‌های صحیح و خطای خویش است.

از پس ثنای خدای تعالی و صلوات رسول، صلی الله علیه و سلم، یاد کنیم از قصص قرآن و بیشتر ذکر آن که خدای تعالی گفت و بدان مر خلق را رغبت نمود و بیم کرد و بدان جهان دلالت کرد و کردارهای قوم پیشین به این امت بگفت، و آنچه بدیشان رسید از عذاب‌های گوناگون، تا مؤمنان حذر کنند از آن، و شکر کنند در آنچه خدای تعالی مر ایشان را داده است از دین پاک و اسلام درست، و بدانند افعال نیکوی پیامبران دیگر و امت‌های ایشان تا بدان رغبت کنند.^۱

یا قطب راوندی در مقدمه کتاب قصص الانبیای خود درباره قصه قرآن چنین می‌گوید:

در داستان‌های پیامبران و رسولان، که درود خدا بر آن‌ها باد، لطافت‌هایی است که به فضایل اخلاقی می‌خواند و عبرت‌هایی است که از شک و نفاق بازمی‌دارد. یادکرد اخبار و آثار آنان مردمان را به طاعت و عبادت نزدیک و مکلفان را از عادات بد دور می‌کند.^۲

۲. کتاب‌های قصص الانبیا همانند تورات از داستان آفرینش جهان آغاز می‌شد. برای مثال قصص الانبیای نیشابوری با داستان آفرینش جهان این چنین آغاز می‌شود:

از ابی‌صالح بن عباس، رضی الله عنه که می‌گفت اندر تفسیر این آیه که خدای تعالی گفت: **إِنَّ رَبَّكُمُ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ** (اعراف: ۵۴): «چون حق تعالی خواست که زمین و آسمان را بیافریند گوهری آفرید هفتاد هزار سال آن گوهر همی بود تا که خدای تعالی به نظر هیبت درو بنگریست. آن گوهر آبی گشت تا هفتاد هزار سال همی جنبید از هیبت ملک تعالی، و نیز هرگز قرار نگرفت و نگیرد تا قیامت. و از پس هفتاد هزار سال آتش فرستاد بر سر آن آب تا آب بجوشید و کف برآورد. زمین را از آن کف بیافرید و آسمان را از بخار آن آب بیافرید.»^۳

اگر هم از میان ایشان عالمی مانند قطب راوندی خواسته است اثری درباره قصص انبیا با حذف زوائد و مطالب غیر مرتبط ارائه دهد، از آفرینش آدم شروع کرده و صفحات متعددی را به داستان آفرینش فرشتگان و جن و نسناس و چگونگی زندگی و عبادت و اعمال آنان اختصاص داده است. قطب راوندی در کتاب خود و تحت عنوان «فی ذکر خلق آدم و حوا» با روایتی منسوب به حضرت علی ضمن اشاره به آفرینش زمین و آسمان‌ها به شرح آفرینش فرشتگان و توصیف رفتار و زندگی و خصوصیات آنان می‌پردازد. او سپس از آفرینش موجوداتی به نام نسناس و جن

۱. قصص الانبیا (نیشابوری): ۱.

۲. قصص الانبیا (راوندی): ۳۱.

۳. همان: ۳.

و ویژگی های آن‌ها می‌گوید و سپس از تمرد گروهی از جنیان و نسناس خبر می‌دهد و پس از این همه به مقدمات آفرینش آدم و گفت‌وگوی خداوند و فرشتگان در این زمینه می‌پردازد.^۱

۳. جمع‌آوری قطعات داستانی مربوط به هریک از پیامبران یا اقوام از سوره‌های مختلف برای ساختن و پرداختن قصه‌ای بلند نیازمند افزوده‌ها و تفصیلی بود که برای ایجاد ارتباط قطعات مذکور ضروری می‌نمود، اما قرآن هرگز به آن‌ها نپرداخته است. این افزوده‌ها عموماً خرافه‌ها و مطالب نامستند اخذشده از اهل کتاب یا محصول خیال‌پردازی‌های داستان‌سرایان بود و قصه‌قرآنی را عملاً به اسطوره مبدل می‌ساخت.

ذکر نمونه‌ای از کتاب قصص الانبیای ابواسحاق نیشابوری در این خصوص خالی از لطف نیست. بیست و دومین قصه کتاب وی به داستان هجرت ابراهیم از زادگاه خود شهر اور به منطقه شام اختصاص دارد. در بخشی از این داستان می‌خوانیم:

پس ابراهیم برخاست و از آن نواحی بیرون شد، و ساره را برد. و گویند صندوقی ساخت و ساره را در آن صندوق نهاد. پس صندوق را قفل کرد و برفت با آن گروه مسلمانان که با وی بودند، و گروهی خورشیاوندان نیز با وی بودند.

سه روز راه برفتند، به سرحد رسیدند. راهبانان آن ملک بر راه بودند. او را گفتند: «در این صندوق چیست؟» ابراهیم گفت: «شما حق خویش بستانید و ما را بگذارید.» گفتند: «تا ندانیم که در این صندوق چه داری ما نگذاریم تو را و کس‌های تو را.» چنان‌که عادت راهبانان است لجاج می‌کردند، که ایشان بترین خلقند. هرچند ابراهیم بگفت سود نداشت. سر صندوق باز کردند و ساره را بدیدند با جمال تمام که هرگز چنان ندیده بودند. گفتند: «ملک ما چنین کس طلب می‌کند در جهان که تو داری و پنهان می‌داری.»

و حکمت آن بود که حق سبحانه و تعالی حکم کرده که هاجر را مادر اسماعیل به وی رساند بدان سبب که مصطفی علیه السلام از وی خواست آمدن. و نیز حق تعالی همه انبیا را و اولیا را محنت‌ها روزی کرده است.

پس ساره را برگرفتند و ببردند. و گروهی مردم بر ایشان موکل. حق سبحانه و تعالی از جهت خلیل خود همی دانست از سه‌روزه‌راه همه کوه‌ها و بیابان‌ها و درختان و دیوارها آنچه بود از پیش چشم ابراهیم برداشت تا ابراهیم علیه السلام ساره را می‌دید بی هیچ حجاب، تارفتن و بازآمدن و سخن گفتن او را جمله معلوم شد.